

## تأثیر فرهنگ تعاملی نخبگان حزبی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

غفار زارعی<sup>۱</sup>، سید رضا دهناد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

### چکیده

نخبگان احزاب سیاسی بدلیل قرارگرفتن در کانون قدرت سیاسی و جهت گیری مستقیم و غیرمستقیم نسبت به روش ها، تصمیم گیری و اهداف نظام سیاسی، دارای پتانسیل های بالای سیاسی - فرهنگی در جهت تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می باشند. این پژوهش با هدف تبیین نقش نخبگان حزبی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، به این سؤال می پردازد که نخبگان حزبی چه تاثیری بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارند؟ فرضیه تحقیق بر اینست که نخبگان حزبی با نگرش فرهنگ تعامل گرای سیاسی و با شاخصه های رقابت هنجاری، انسجام سیاسی و هویت جمعی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تاثیر گذارند. هدف اصلی پژوهش تبیین و شناسایی تاثیر نخبگان حزبی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می باشد. نخبگان حزبی (متغیر مستقل) و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (متغیر تابع) دارای ارتباط مستقیمی می باشند. کنش های ارزشی و مسالمت آمیز نخبگان حزبی با ویژگی های اخلاق گرای، رقابت ارزشی، تعامل گرای و انسجام سیاسی از جمله کنش های سیاسی مثبت در جهت تقویت و تعمیق قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می باشند.

**واژه های کلیدی:** قدرت نرم، فرهنگ تعاملی، نخبگان، احزاب، ایران.

**۱- مقدمه**

مفاهیم نخبگان حزبی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با توجه به نگاه نرم افزاری رقابت سیاسی و امنیت ملی از یکسو و نسبی بودن آنها نسبت به شرایط و مقتضیات از سوی دیگر، قابل تبیین و تحلیل می باشند. نخبگان حزبی در ایران با رویکرد فرهنگ تعاملی، دارای پتانسیل های سیاسی بالایی در جهت افزایش و تقویت نظم سیاسی موجود می باشند. واضح است که احزاب سیاسی ضعیف بخصوص در کشورهای در حال توسعه، مانند تیغ دولبه می باشند که از یکسو به مشارکت سیاسی و بسیج سیاسی توده ها مبادرت می نمایند و از سوی دیگر بدلیل عدم نهادینگی، زمینه بی ثباتی سیاسی را بدنبال می آورند. ساموئل هانتینگتون با تمایز قائل شدن میان احزاب ضعیف و قوی در ارتباط با کارآمدی سیاسی و توانمندی بسیج سیاسی، بر این عقیده است که فساد، تفرقه اندازی، بی ثبات سازی و آماده ساختن کشور برای نفوذ بیگانگان، همگی ویژگی نظام های حزبی ضعیف است (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۵۸۷). جمهوری اسلامی ایران با توجه به مردمسالاری دینی و نقش گروهها و احزاب سیاسی در حوزه مشارکت سیاسی، نمی تواند نسبت به نقش قدرت نرم احزاب سیاسی بی تفاوت باشد. بنابراین قدرت نرم فرهنگ تعاملی نخبگان احزاب سیاسی در بقا و تداوم جمهوری اسلامی ایران اثرگذار است. در دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران بسیاری از ناملایمات و نابسامانی های سیاسی را باید در درون ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران واکاوی نمود و در این واکاوی نقش نخبگان و احزاب سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. در این تحقیق با توجه به روش تحلیلی - توصیفی، برآنیم که به توصیف قدرت نرم، فرهنگ تعاملی و مفهوم نخبگان و احزاب سیاسی پرداخته شود و با استفاده از روش تحلیلی، عناصر قدرت نرم نخبگان حزبی در ساختار جمهوری اسلامی ایران، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. متغیر اثر گذار فرهنگ تعاملی نخبگان حزبی منجر به افزایش و تقویت ایستار های عقلانی و ارتباطی با توجه به ارزش های اسلامی-مذهبی در ساختار سیاسی می گردد و نهادینه شدن فرهنگ عقلانیت ارزشی در بستر فرهنگ سیاسی جامعه توسعه و تعمیق می یابد.

**۲- پیشینه تحقیق**

در ارتباط با قدرت نرم و ارتباط آن با سایر متغیر های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از جمله نخبگان سیاسی بطور مستقیم و غیرمستقیم، پژوهش های متعددی انجام گرفته است که در اینجا به اختصار به برخی از آنها می پردازیم: بیگلو، مرادیان (۱۳۹۱) ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: مشارکت در انتخابات): در این تحقیق با هدف بررسی ارتباط بین مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و با تاکید بر وجهی از مشارکت با عنوان مشارکت در انتخابات که بخش وسیعی از فعالیت سیاسی مردم را در بر می گیرد، پرداخته شده است.

محمدی (۱۳۹۱) بررسی ابعاد و مؤلفه های قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران با رویکردی ایرانی- اسلامی: در این مقاله مؤلفه ها و ابعاد قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. بهادری جهرمی (۱۳۹۱) قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با فساد آوری قدرت: در این مقاله سعی شده به منظور نمایش مبنای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با فساد آوری قدرت سیاسی که ناشی از نوع نگاه اندیشه اسلامی به مفهوم قدرت سیاسی است، بررسی شود.

جلالی، غلامی (۱۳۸۹) انسجام فکری نخبگان سیاسی درون حاکمیت و شکل گیری ثبات در نظام سیاسی: این مقاله، یکی از عوامل مهم شکل گیری ثبات در نظام سیاسی را اجماع نظر نخبگان سیاسی درون حاکمیت می داند.

**۳- مبانی نظری و تعریف مفاهیم**

قدرت نرم و چگونگی بکارگیری آن در جوامع مختلف را می توان در یک فرایند تاریخی بررسی نمود. برخی بر این عقیده اند که تامل پیرامون بعد نرم قدرت سیاسی ریشه ای بس عمیق در سرزمین هایی با تاریخ باستانی دارد. ایده جذابیت به عنوان قدرت، قرن ها قبل از تبیین تئوریک آن در اوائل دهه ۱۹۹۰ م. وجود داشته است و بعنوان مثال می توان از چینی ها، یونانیان، مصریان و ایرانیان به عنوان یکی از طرح کنندگان اولیه آن نام برد (امامزاده فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۵). مباحثی مانند قدرت

نرم و ارتباطات جهانی را حمید مولانا در سال ۱۹۸۶م. در کتاب اطلاعات و ارتباطات جهانی، مطرح نموده است. وی مرزهای نو در روابط بین الملل با عنوان قدرت محسوس را مطرح کرده است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴). در بیشتر مقالات و مکتوبات از جوزف نای<sup>۱</sup> با عنوان نظریه پرداز اصلی این نظریه نام برده می شود. جوزف نای بر این باور است که هر چند قدرت نرم و سخت در هم تنیده شده اند، ولی قدرت نرم به قدرت سخت وابسته نیست. این کار از طریق جذابیت های فرهنگی، ایده های سیاسی و سیاستها صورت می گیرد. زمانی که سیاست های یک مجموعه سیاسی در چشم دیگران مشروعیت دارد، قدرت نرم آن مجموعه تقویت شده است. به عبارتی، زمانی که هرکس غیر را وادار کند که ایده و اراده اش را بپذیرد، بدون اینکه از قدرت سخت و قدرت نیمه سخت هزینه زیادی کند در آن صورت آن از قدرت نرم استفاده کرده است. در سطح کلان و در عرصه روابط بین الملل، جوزف نای این گونه عنوان می کند که قدرت نرم جلب نمودن مردم به جای اجبار آن ها است (گلشن پروژه، ۱۳۷۸: ۲۲). نای، قدرت نرم را شیوه ای برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس می داند و معتقد است یک کشور و حاکمیت می تواند بر این پایه به مقاصد مورد نظر خود برسد. زیرا گروه های دیگر، ارزش های آن را می پذیرند و تحت تأثیر پیشرفت و اندیشه آن قرار می گیرند، و خواهان پیروی از آن می شوند. قدرت نرم، کسب اهداف مورد نظر، از طریق جذب کردن است، نه از طریق زور و پاداش (نای، ۱۳۸۹: ۴۷). از نظر جوزف نای، منابع قدرت نرم، در بردارنده سه مؤلفه فرهنگ، ارزش های سیاسی و مطلوب های سیاست خارجی است (همان: ۵۱). فرهنگ، افکار عمومی، دموکراسی، حقوق بشر، ارزش های اجتماعی، علوم و فناوری مهمترین عناصر و منابع قدرت نرم را تشکیل می دهند. زیرا با بهره مندی از آن می توان به اهداف مورد نظر رسید و تصمیمات و سیاست های دیگران را از طریق ارائه نتایج مناسب و مفید همگانی ناشی از کاربرد این منابع و عناصر قدرت تغییر داد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۳۷). قدرت نرم، ویژگی هایی دارد که آن را از انواع قدرت متمایز می سازد. این ویژگی ها عبارتند از: ۱- قدرت نرم یک نوع رابطه است و بر نوعی از ذهنیت تکیه دارد و برخلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت هاست؛ باورها، اعتقادات، مشروعیت و اعتبار دارنده قدرت نرم در اطاعت از او تأثیر زیادی دارد. ۲- قدرت سخت و نرم هر دو به دنبال متقاعد کردن رقیب هستند؛ اما این کار در قدرت نرم متکی بر قدرت اقناع و جاذبه می باشد. ۳- قدرت نرم امری غیر محسوس است (ولی پور و رزومی، ۱۳۸۳: ۳۷).

#### ۴- مشخصه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

برخی از مشخصه های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران عبارتند از: اتحاد ملی، ایمان به باورها و ارزش های اسلامی، علم و تولیدات علمی، معنویت، مراجع و علمای دین، مردم سالاری دینی، نفوذ و اقتدار ولایت فقیه، بصیرت، فرهنگ استقامت و شهادت، ظلم ستیزی و عدالت خواهی، ارزش هایی هستند که انقلاب اسلامی آنها را مطرح و باز تولید کرده، چون با فطرت انسانها سازگار بوده و برای تمام مردم جهان جذابیت دارد و هر انسان منصفی آن ها را می پذیرد، در عرصه هنر تولید فیلم هایی مانند امام علی(ع)، مختارنامه و...، تئاتر و هنرهای نمایشی، تعزیه، رسانه ها، رادیو و تلویزیون، روزنامه ها و مجلات، اینترنت، آثار باستانی، شعر شعرا و زبان فارسی در منطقه پیرامون ایران، ممکن است در موقعیتهای مختلف دارای اهمیت های متفاوتی باشند، به عبارت دیگر اهمیت هر یک از مولفه های ایجاد و تثبیت کننده در تقابل با شرایط مختلف، متفاوت خواهد بود، به عبارتی مولفه های قدرت نرم همواره ثابت نبوده و همیشه با تحول بسترها و شرایط، آنها نیز تغییر می کنند (متقی زاده، ۱۳۹۰). در کنار عوامل فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی مطرح شده در بالا، می توان به نقش فرهنگ تعاملی نخبگان حزبی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود. فرهنگ تعاملی نخبگان حزبی به عنوان جوهره اصلی قدرت نرم، نقشی اساسی در تقویت و تثبیت اقتدار سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد.

#### ۵- احزاب سیاسی

<sup>۱</sup> - Josephs nye

حزب را به معنای: ۱- گروهها، فوجها، دسته ها. ۲- گروههای کافرانی که همگام شده و به جنگ پیامبر اسلام(ص) آمده بودند. ۳- قوم ثمود و غیر آنان که خدای تعالی ایشان را هلاک کرد. ۴- نام سی و سوم از سوره های قرآن. ۵- دسته های سیاسی که هر یک مرام و روش خاصی دارند و در زندگی اجتماعی شرکت می ورزند (معین، ۱۳۶۴: ۱۳۵۲). تعریف نموده اند. مورس دوورژه با تشبیه احزاب سیاسی به ارتش سیاسی<sup>۱</sup> بر این عقیده است که این سازمان ها، گروه بندی های بنیان یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده اند و منافع و هدف های نیروهای اجتماعی گوناگونی را (طبقات، واحدهای محلی، دسته های نژادی، جماعتی دارای منافع ویژه) بیان می کنند و خود هم به درستی وسیله کارکرد سیاسی آنان می باشند. (دوورژه، ۱۳۷۶: ۱۶۱) ارنست فرانکلین با تشریح هدف احزاب سیاسی برای تصاحب مناصب سیاسی و حکومتی از طریق مبارزه سیاسی با هموعانشان، در سطح محلی، استانی و ملی بر این عقیده است که حزب سیاسی، سازمانی متشکل و استوار برای مبارزه است که در محدوده جغرافیای یک کشور، ایالت، استان و... با کسب مواضع و مناصب حکومتی به اندازه کافی قدرت به دست می آورد. (یا می کوشد به دست آورد) که بتواند به هدف های مادی و معنوی خود تحقق بخشد (کتابی، ۱۳۷۴: ۱۰۹). واینر و لاپالومبارا، چهار ویژگی را برای احزاب سیاسی ارائه می دهند که عبارتند از: وجود تشکیلات پایدار مرکزی، وجود شعبه هایی که با مرکز پیوند و ارتباط داشته باشند، پشتیبانی و حمایت مردم و در نهایت کوشش و رقابت برای کسب قدرت سیاسی می باشد (لاپالومبارا، ۱۹۶۶: ۵-۶). کارکردهای نخبگان احزاب سیاسی با رویکرد عقلانیت محوری، اخلاق مداری، قانون گرایی، تساهل و تسامح و درک بین الاذهانی، می تواند به یک فرهنگ سیاسی قوی و کارآمد به عنوان بستر فعالیت گروههای سیاسی منجر گردد. کارکرد آموزشی با مفاهیمی مانند جامعه پذیری سیاسی، فرهنگ پذیری، آموزش سازمانی و تقویت نگرش قانونگرایی پیروان حزبی به تقویت فرهنگ سیاسی می انجامد و کارکرد انتخاباتی با رقابت سیاسی مسالمت آمیز، معرفی کاندیدا و برنامه ها، کسب رای و مشارکت دهی افکار عمومی، زمینه مشروعیت و مقبولیت سیستم سیاسی را فراهم می نماید. کاهش بحران های سیاسی و افزایش توانمندی های امنیتی-سیاسی به کارآمدی و مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران اعتبار و اقتدار می بخشد و این اعتبار به اقتدار امنیت داخلی و تعمیق سیاست همزیستی مسالمت آمیز و تعامل گرایانه در درون سیستم جمهوری اسلامی ایران منتهی می گردد.

## ۶- نخبه حزبی

واژه نخبه<sup>۳</sup> مانند بسیاری از واژگان دیگر در حوزه علوم سیاسی از یک بار معنایی و ارزشی برخوردار می باشد. از نظر معنایی، نخبه به نوعی دال بر برتر و بالاتر بودن دارد و از کالاهای و مصنوعات با مرغوبیت و کیفیت بالا تا مدیریت و رهبری بالای سازمان، طبقه، نهاد و نظام سیاسی را در بر می گیرد. حوزه و دایره مفهوم نخبه بسیار گسترده و زیاد می باشد. بطوریکه این واژه در مکاتب و نظرات مختلف با برداشت های متفاوتی همراه بوده است. واژه نخبه که معادل انگلیسی آن الیت است در قرن ۱۷ میلادی برای توصیف کالاهایی با مرغوبیت بالا به کار می رفت. اما در یک سیر تطور واژه ای به مفهومی مبدل شد که امروزه از آن مستفاد می شود (باتامور، ۱۳۶۹: ۲). در طول قرون گذشته به خصوص از عصر رنسانس به این طرف، اندیشمندان مختلفی به تعریف واژه نخبه پرداخته اند و همین امر به پیدایش نظریه ای تحت عنوان نخبه گرایی<sup>۴</sup> انجامیده است. آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی مفهوم نخبه و سرآمد را چنین تعریف می کند: «سرآمد از ریشه لاتینی Eligible به معنی برگزیدن گرفته شده است. سرآمد به هر آنچه بهتر از دیگران و شایسته گزینش باشد اطلاق می شود. از واژه سرآمدان، فرهیخته ترین طبقات یک جامعه، آنان که توانمندترین افراد در اداره موثر جامعه باشند، بر می آید.» (بیرو، ۱۳۶۷: ۱۱۵). از دیگر اندیشمندانی که به ارائه تعریف نخبه و نخبگان پرداخته است، گی روشه، جامعه شناس معاصر فرانسوی می باشد. از دیدگاه وی: نخبگان، اشخاص و گروههایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می آورند و تاثیری که بر جای می گذارند یا به وسیله تصمیماتی

<sup>۱</sup> - Political army.

<sup>۲</sup> - Iapalombara

<sup>۳</sup> - elite.

<sup>۴</sup> - Elitism.

که اتخاذ می کنند و یا به وسیله هیجانان، ایده ها و احساساتی که به وجود می آورند، در کنش تاریخی جامعه ای موثر واقع می شوند (روشه، ۱۳۸۶: ۱۲۱). بنابراین نخبگان، افراد موثر و کارآمدی برحوزه فکری-فرهنگی عصر خویش می باشند و چه بسا این تاثیر گذاری علاوه بر محیط زندگی خویش به سایر نقاط جهان کشانده شود و مختص به عصر و زمان خویش نباشد. نخبه با مفهوم آریستوکراسی تا حدودی قرابت معنایی و محتوایی دارد. اندیشمندان و متفکران بسیاری از عهد باستان همچون افلاطون، ارسطو، ماکیاول، هابز، منتسکیو و ژان ژاک روسو از آریستوکراسی<sup>۱</sup> سخن گفته اند. در حقیقت نخبه گرایي ادامه مفهوم آریستوکراسی در اندیشه سیاسی است، هر چند در مفهوم، ماهیت و هدف، هر یک موضوع دیگری را دنبال می کنند. جایگاه تعریف نخبه با توجه به ساختار فرهنگی-اجتماعی جوامع و جغرافیای سیاسی متفاوت و تا حدودی ممکن است متضاد باشد. نگاه سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی به میزان نفوذ، سلطه و تمایل سرآمدان حکومتی برای اداره امور سیاسی جامعه بر اساس رویکرد مکاتب دینی و سیاسی متفاوت، دارای جهت گیری و هدف گذاری متناسب با الگوها، هنجارها<sup>۲</sup> و اصول تعریف شده، مشخص گردیده است. برای مثال از نخبه در دین اسلام تحت عنوان اسوه و الگوی بهتر و مطلوب نام برده شده است. خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) را بهترین اسوه، الگو و سرمشق زندگی برای همه مسلمانان معرفی می نماید. مانند آیه {لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه} (احزاب، ۳۳/آیه ۲۱) در حالیکه در نظر برخی از نظریه پردازان غربی، الیت ها کسانی هستند که سهم بیشتری از قدرت و تسلط سیاسی در اداره امور سیاسی را در دست دارند.

## ۷- مرزبندی و مطالعه نخبگان حزبی

معمولا شیوه مطالعه و مرزبندی نخبگان سیاسی از ظرافت خاصی برخوردار می باشد. حوزه نخبگان دامنه وسیعی از تاثیرات اجتماعی و سیاسی و پایگاه اقتصادی-طبقاتی را در بر می گیرد. برای مثال، گی روشه در تقسیم بندی و تفکیک نخبگان، نخبگان را به شش دسته: نخبگان سنتی-مذهبی<sup>۳</sup>، ایدئولوژیکی، تکنوکراتیک<sup>۴</sup>، مالکیت<sup>۵</sup>، کاریزمایی<sup>۶</sup> و سمبولیک<sup>۷</sup> تقسیم می نماید (روشه، همان: ۱۲۵-۱۲۱). در بیشتر تقسیم بندی ها به چهار الیت اصلی اشاره شده است: الیت قدرت سیاسی، الیت اقتصادی، الیت نظامی و الیت فکری. با این حال بیشتر نظریه پردازان، قدرت سیاسی را یکی از ویژگی های اساسی الیت تلقی کرده اند. (بشیریه، ۱۳۷۶) مشخص است که حوزه مطالعه این پژوهش به بررسی نخبگان حزبی به عنوان دارندگان قدرت سیاسی در اتخاذ تصمیم گیری و مدیریت اجرایی، تحت عنوان الیت سیاسی مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. نخبگان سیاسی به دو صورت بر کنش تاریخی یک جامعه موثر واقع می شوند. یکی از طریق تصمیم گیری<sup>۸</sup> و دیگری از طریق الگوسازی<sup>۹</sup> می باشد. برخی از نخبگان به دلیل نقش موثر در تصمیم گیری های اجتماعی مانند تصمیمات عالی، نقش برتر، تبعیت پیروان و سلطه بر نهادها در کنش سیاسی موثرترند. همچنین نخبگان از طریق الگوسازی، بدلیل قدرت و جاذبه ای که برای افراد و گروههای اجتماعی دارند، سعی دارند که مورد تقلید قرار بگیرند (روشه، همان: ۱۲۷-۱۲۶). بنابراین قدرت تصمیم گیری و تبعیت پیروان در تقلید سیاسی از جمله مشخصات تاثیر گذار نخبگان حزبی می باشند که در رشد و توسعه سیاسی یک جامعه، نهاد یا ساختار موثر واقع می گردد. برای مطالعه و پژوهش درباره الیت ها و تشخیص آنها در جامعه از سه روش

<sup>۱</sup> -Aristocracy.

<sup>۲</sup> -Norms.

<sup>۳</sup> -Traditional Religious.

<sup>۴</sup> -Technocratic.

<sup>۵</sup> -Ownership.

<sup>۶</sup> -Charismatic.

<sup>۷</sup> -Symbolic.

<sup>۸</sup> -Decision Making.

<sup>۹</sup> -Modeling.

استفاده می‌گردد: ۱- روش تاکید بر مناصب سیاسی که در آن الیت مجموعه کسانی است که دارای مناصب رسمی برجسته در نهادهای سیاسی گوناگون هستند. ۲- روش تاکید بر شهرت که در آن محقق‌هیاتی از افراد مطلع تشکیل می‌دهد و نظر آنها را در مورد افراد صاحب قدرت جویا می‌گردد. ۳- روش تاکید بر تصمیم‌گیری که در آن کسانی که عملاً در تصمیم‌گیری‌های عمده سیاسی شرکت دارند، به عنوان الیت سیاسی تلقی می‌گردند. (بشیریه، همان: ۶۹) بنظر می‌آید که دو عامل تصمیم‌گیری و صاحب منصب سیاسی در پژوهش پیرامون نخبگان حزبی در ایران از جایگاه بیشتری برخوردار می‌باشد. نخبگان احزاب سیاسی هم دارای منصب سیاسی به عنوان بالاترین رده‌های هرم قدرت حزبی می‌باشند و هم اینکه در تصمیم‌گیری سیاسی نقش قوی و موثرتری را بر حزب و فعالیت حزبی دارند.

## ۸- فرهنگ تعاملی نخبگان

تعامل‌گرایی در فرهنگ سیاسی نخبگان، برسمیت شناختن و قبول طرف مقابل به عنوان یک کنشگر دارای حقوق متقابل می‌باشد که پذیرش چنین اصلی، نگاه عمودی کنشگر را به نگاه افقی مبدل می‌سازد. براین فی<sup>۱</sup> یکی از اندیشمندان نظریه تعامل‌گرایی، هرگروه، حزب، نگرش و عقیده سیاسی یا غیر سیاسی را ترغیب می‌نماید که کانون و محور خود را بیابد و آن را تقویت نماید و در عین حال تلاشهای افراد دیگر در واحدهای متفاوت را به رسمیت بشناسد و از آنها حمایت نماید و آنها هم متقابلاً چنین اقدامی را انجام دهند. در واقع هر کدام از ما در درون ساختار و نظامی زندگی می‌کنیم که در آن با معدودی دیگر دارای اشتراکات سیاسی می‌باشیم و این ساختار و نظام با ساختار و نظام‌های دیگر فرق دارد (فی، ۱۳۸۶: ۱۴). تعامل و ارتباط سیاسی و نهادینه نمودن آن در بستر جامعه، بسیاری از تنش‌ها و بحرانهای سیاسی که سبب ایجاد حذف و برخورد با شخصیت حقوقی و حقیقی نخبگان حزبی می‌گردد را بر طرف می‌نماید و فضای همدلی و استراتژیهای همگرایی را بوجود می‌آورد. سودای تعامل‌گرایی هم آمیزی پویایی است که در آن طرفین دائماً تغییر می‌کنند. در این هم آمیزی پویا بر تفاوت‌ها غلبه نمی‌شود و در عین حال به همان صورت اولیه نیز حفظ نمی‌گردد. بر عکس تفاوت‌ها باز شناخته می‌شوند، مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرند و در مقام خاص خود می‌نشینند و به توان آزمایی گذاشته می‌شوند و احتمالاً دگرگون می‌شوند. (همان، ۴۰۳-۴۰۴) فرهنگ تعاملی بر آمده از یک کنش<sup>۲</sup> متقابل عقلانی- اخلاقی می‌باشد. کنش متقابل، فرایندی است که سوگیری رابطه میان کنشگران حزبی (نخبگان) را تعیین می‌کند. این سوگیری می‌تواند همگرایانه باشد که در آن کنشگران به سوی یکدیگر گام بر می‌دارند یا واگرایانه می‌باشد که کنشگران از یکدیگر دور می‌شوند. کنشگران در سوگیری همگرایانه پدید آورنده رابطه‌هایی چون آشتی، همزیستی، دوستی و عشق هستند و در سوگیری واگرایانه میان کنشگران رابطه‌هایی چون رقابت، تنفر، دشمنی و جنگ برقرار می‌شود (اجتهادی، ۱۳۸۳: ۲۲۴). پیروان نظریه کنش اجتماعی با تأثیرپذیری از ماکس وبر بر این باور هستند که کنش متقابل میان انسان‌ها تحت تأثیر جهت‌گیری‌های ذهنی است، و نمی‌توان کنش اجتماعی را تنها با بهره‌گیری از مشاهده رفتار انسان‌ها توضیح داد. باید از روش فهمیدن استفاده کرد، تا معنای رفتار و کنش انسان را فهمید. ماکس وبر روابط اجتماعی را رفتاری تعریف کرد که معنای آن ذهنی و از سوی طرف‌های کنش تعریف می‌شود. کنش متقابل گاهی مترادف با کنش اجتماعی به کار می‌رود. کنش اجتماعی در نظریه پارسونز: همه رفتار انسانی است که انگیزه و راهنمای آن، معانی است که کنشگر، آنها را در دنیای خارج کشف می‌کند، معانی که توجهش را جلب می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۷).

## ۹- مشخصه‌های فرهنگ نخبگان حزبی در افزایش قدرت نرم

فعالیت و رفتار نخبگان حزبی، با مفاهیمی مانند فرهنگ سیاسی تعاملی، رقابت هنجاری، کنش بین‌الذنهانی و رفتار سیاسی مسالمت‌آمیز، ارتباط تنگاتنگ دارد. عنصر تعیین‌کننده فرهنگ و تقویت بن‌مایه‌های فرهنگ هنجاری- عقلانی نخبگان

<sup>۱</sup> - Brain Fay.

<sup>۲</sup> -Action.

احزاب سیاسی از متغیرهای کلیدی قدرت نرم در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. قدرت نرم که گاهی آن را قدرت هنجاری، انگاره‌ای و عقیدتی می‌نامند، بر فرهنگ تکیه دارد. بنابراین نخبگان احزاب سیاسی با نگاه فرهنگ مداری به مقوله قدرت و رقابت سیاسی بر افزایش اقتدار و توانمندی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌افزایند و بسیاری از بحران‌ها و چالش‌های سیاسی را به فرصت‌ها، تبدیل می‌نمایند. در اینجا به عوامل فرهنگ نخبگان حزبی در شکل دهی به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌نماییم:

### فرهنگ رقابت هنجاری

بین رقابت‌های سیاسی هنجار گرایانه و فرهنگ سیاسی تعاملی نخبگان حزبی، رابطه معناداری وجود دارد. گسترش رقابت مسالمت‌آمیز در گرو پذیرش اصل سازش از سوی گروه‌های سیاسی رقیب می‌باشد. اصل مفهوم سازش آن است که طرفین دعوا با دادن امتیازهای متقابل به توافق نسبی برسند و هر دو طرف از بخشی از خواست‌های خود صرف‌نظر کنند. آرمانی‌ترین سازش اینست که بر مبنای عدالت و انصاف تحقق پذیرد (دوررژه، ۱۳۷۷: ۲۴۱). هر اندازه فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه توسعه یافته‌تر باشد، جمع‌گرایی، قانونگرایی، تحرک اجتماعی، خردگرایی، اعتماد دوجانبه، وفاداری ملی، تحمل‌گرایی، رعایت قاعده‌های بازی سیاسی، احترام به عقاید دیگران، تکثرگرایی، خیر جمعی، عملگرایی و عقل‌گرایی بیشتر و در نتیجه رقابت سیاسی مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر خواهد بود (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۲). رقابت سیاسی نخبگان حزبی می‌بایست بر اساس میانه‌روی، تساهل و تسامح و ارجحیت منافع ملی و در جهت تحکیم امنیت ملی باشد. اگر نخبگان حزبی، نقش‌های تعارض‌گونه را در پیش بگیرند، در آن شرایط یکپارچگی افقی و یکپارچگی عمودی گروه‌های سیاسی و نیروهای اجتماعی با ساختار حکومتی کاهش می‌یابد. این امر اثرهای منفی و بازدارنده‌ای را برای امنیت ملی کشور و انسجام اجتماعی بوجود می‌آورد (متقی، ۱۳۸۱: ۲۶۰). فرهنگ رقابت هنجاری در صورتی می‌تواند به تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران منجر شود که همه نخبگان حزبی قواعد بازی سیاسی را بصورت شفاف، فرصت‌برابر و قانونی-ارزشی، مدیریت سیاسی نماید. در چنین وضعیتی کارآمدی و مشروعیت رقابت سیاسی بازیگران در اذهان و افکار عمومی مثبت تلقی می‌گردد و فرهنگ رقابت هنجاری به عنوان یک فرهنگ سالم سیاسی و قانونی در بسترفرهنگی جامعه رشد و نهادینه می‌گردد. در صورتی که هنجارمندی رقابت سیاسی بین نخبگان حزبی و پیروان احزاب سیاسی، تثبیت گردد، جذب حداکثری گروه‌های سیاسی و انسجام در جهت تحکیم و مشروعیت جمهوری اسلامی تحقق می‌یابد.

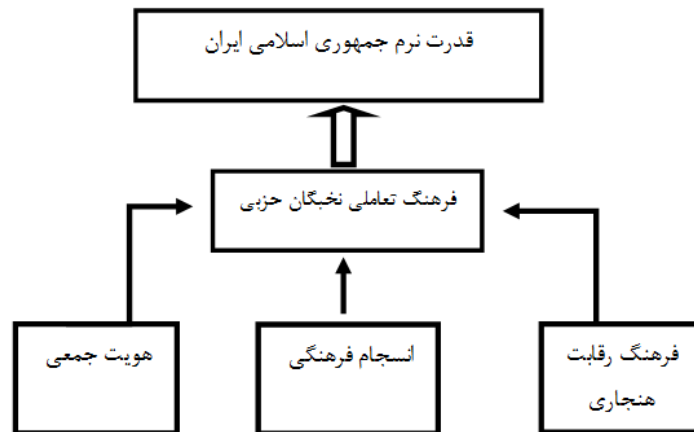
### انسجام فرهنگی نخبگان حزبی

در بررسی ساز و کارها و ابزارهای استقرار و تقویت انسجام ملی، ابزارهای فرهنگی نقش بسیار برجسته‌ای دارند. زیرا سیاست وحدت در تکرار به عنوان یک راهبرد، ماهیت فرهنگی و مدرن دارد. جنس این سیاست، نرم‌افزاری است و با ذهنیت‌ها و گرایش‌های درونی افراد و شهروندان سر و کار دارد (حاجیان، ۱۳۸۱). حصول انسجام نسبی مشروط به سه شرط است: اولاً قوانین، قواعد و هنجارهای مستقر و رایج مورد قبول عموم گروه‌های اجتماعی و یا گروه‌های فعال اجتماعی - سیاسی باشد. ثانیاً نهادهای مجری آن قوانین و هنجارها مورد قبول همان گروه باشد. ثانیاً احساس هویت و وحدت در بین گروه‌های مذکور از حیث پذیرش آن قواعد و نهادها گسترش یابد (بشیری، ۱۳۸۲: ۵۴۶). انسجام به شیوه توزیع منابع و ارزش‌های کمیاب میان گروه‌هایی اشاره دارد که بر سر آن منابع با یکدیگر رقابت پیدا می‌کنند. هرچه انسجام بر سر رویه‌ها و قواعد گسترده‌تر باشد، مشروعیت آن قواعد نیز بیشتر خواهد بود. انسجام میان نخبگان حزبی در اصل به معنی پذیرش قواعد کلی بازی است. قطع نظر از نتایجی که از آن قواعد حاصل شود اما اختلاف بر سر قواعد بازی که ناشی از عدم انسجام فکری است در هر عرصه‌ای مهمترین مانع انسجام و اجماع و خود به معنی فقدان کلی آن است (جلالی، غلامی، ۱۳۸۹: ۲۱۰). منظور از انسجام فرهنگی میان نخبگان حزبی اشتراک در عقاید، ارزش‌ها و هنجارها است و چون رقابت سیاسی و نه منازعه سیاسی، جزء اجتناب‌ناپذیر ساختارهای سیاسی هستند از این رو انسجام در سطوح بالای سیاسی به عنوان شرایط لازم در ثبات و آرامش سیاسی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت اساسی برخوردار است. در این خصوص میزان تاثیرگذاری انسجام فکری در شکل دادن به ثبات و آرامش نیز به ۳ بحث تقسیم می‌شود: اجماع حداقلی ویژگی نظام ضعیف و گسیخته از حیث مشروعیت و

کارآمدی سیاسی است که مستمراً دچار بحران و بی ثباتی می شوند. اجماع حداکثر ویژگی نظام های محافظه کار و جا افتاده و قدیمی تلقی می شود که چندان پتانسیلی برای جذب تغییرات و تحولات ندارند. اما اجماع حد مطلوب از این دیدگاه آن نوع اجماعی است که میان گروه های اصلی سیستم اجتماعی برقرار می شود و از یک سو حافظ ثبات و نظم سیاسی است و از سوی دیگر امکان توسعه و تحول را از میان نمی برد. تحقق اجماع حد مطلوب، از این دیدگاه چندین شرط دارد: اولاً اجماع بین گروه های حاکمه اصلی یا نخبگان سیاسی برحول قواعد و روش ها و اهداف و اصلی شکل گیرد یا همان انسجامی که لازمه وفاق و اجماع می باشد. ثانیاً همبستگی و توافق نسبی میان آن گروه ها و طبقه سیاسی دست کم بر سر قواعد و روش ها که انسجام فکری نخبگان سیاسی خارج از حاکمیت را مدنظر قرار می دهد. ثالثاً وفاق و هماهنگی میان بخش اول و دوم از یک سو با گروه های جامعه مدنی به طور گسترده از سوی دیگر برسر ارزش ها و هنجارهای اساسی است که این انسجام را در تمام سطوح مشخص و در شکل دادن به ثبات یاری می کند (بدیع: ۱۳۸۷، ۶).

### هویت جمعی نخبگان حزبی

آموزش نخبگان حزبی به رویکرد جامعه پذیری سیاسی در حوزه رفتار و فرهنگ سیاسی بازیگران حزبی توجه دارد. آموزش نخبگان حزبی بطور مستقیم و غیرمستقیم به سمت بهینه شدن رفتار و روش های نخبگان حزبی در دستیابی به فرهنگ تعاملی اشاره دارد. از خصوصیات منفی فرهنگ سیاسی نخبگان حزبی ایران، تکروری و عدم گرایش به جمع گرایی می باشد. فرهنگ سیاسی ایران دارای یک نیمه منفی و تا حدود زیادی عدم تساهل و تسامح می باشد که راه رشد و توسعه بسیاری از حوزه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را سد می نمایند. در فرهنگ سیاسی ایران، معایب و مشکلاتی مانند، ضعف فرهنگ سیاسی مشارکتی و مدنی، فرهنگ سیاسی عشیره ای، تبارگمانی و خویشاوند سالاری، ضعف روحیه کار جمعی، عزلت جویی و سیاست گریزی و جمع گریزی، عوام زدگی و روحیه فردگرایی صوفیانه، ضعف روحیه اعتماد ورزی و مسئولیت پذیری، عدم تساهل و سعه صدر، شخصیت پرستی، رابطه گرایی به جای ضابطه گرایی، تعصب و افراط گرایی و تملق گویی در فرهنگ سیاسی ایران ریشه ای دیرینه دارد. این عوامل سبب شده است که فرهنگ سیاسی ایرانیان از وجاهت فرهنگ تعاملی تا حدود زیادی تهی و فارغ باشد. بنابراین این موانع فرهنگی در ابتدا می بایست اصلاح گردد تا سطح فرهنگ تعاملی نخبگان سیاسی رشد و توسعه پیدا نماید (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶). رسیدن به فهم فرهنگ گروهی در حوزه نخبگان حزبی، منجر به فرهنگ تعامل گرایی میگردد و بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران اثر مطلوب دارد. نقش رسانه های گروهی، آموزش سیاسی، تغییر در رویکرد آموزشی و نظام تعلیم و تربیت ایران و در نهایت چگونگی زیستن گروهی در درون ساختار سیاسی از جمله عوامل مهم می باشند. رابطه مشخصه ای فرهنگ تعاملی نخبگان حزبی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در نمودار مشخص شده است.



شکل ۱: فرهنگ تعاملی نخبگان حزبی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران.



## ۱۰- نتیجه گیری

رقابت احزاب سیاسی بدلیل قرارگرفتن در میدان قدرت سیاسی دارای اصطکاک و ستیزه می باشد و در بسیاری از موارد سبب رویارویی و درگیری های شدید سیاسی می گردد. کانون قدرت سیاسی محل برخورد آراء، عقاید و سمت گیری های سیاسی جریانات و تفکرات سیاسی می باشد که بر اساس سلايق و علايق به جهت گیری سیاسی مبادرت می نمایند. زمانی که آراء و عقاید سیاسی شکل رادیکالیزه و تندروانه پیدانماید، کشمکش و نزاع های سیاسی رشد یافته و اقتدار حاکمیت سیاسی تضعیف می گردد. کاهش اقتدار سیاسی منجر به ضعف امنیت ملی میگردد. منبع اصلی ناامنی، تعاملات درونی نظام سیاسی می باشد که فاقد ساز و کارهای مشخص برای تعادل قدرت است. ساز و کارهای نظام سیاسی شامل نهادهای واسط، نهادهای ارتباطی و جامعه مدنی می باشد. ارتقاء سطح قدرت نرم سیستم در گرو رفتارهای مسالمت جویانه و تبعیت از شیوه های قانونی همه گروههای طرفدار نظام بر محور فرهنگ تعاملی می باشد. در این میان نقش نخبگان حزبی در جهت افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برجسته و اثرگذار است. جامعه ایران در دهه چهارم انقلاب اسلامی در جهت حرکت به سمت وسوی پیشرفت و توسعه در همه ابعاد آن می باشد. شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران بدلیل وجود گرایش های حزبی متفاوت و متنوع به نوعی دستخوش فراز و نشیب های گروههای رقیب سیاسی در درون حاکمیت می گردد، بطوریکه در بسیاری از موارد جهت گیریهای مطلق اندیش و جزم نگرانه در میان گروههای سیاسی، منجر به کشمکش و نزاع های سیاسی می گردد. رفتار نخبگان حزبی به عنوان مدیران حزبی در صورت آمیخته بودن با فرهنگ تعاملی، می تواند فرهنگ سیاسی مسالمت آمیزی بر حوزه کنش سیاسی بازیگران در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید که در صورت تداوم و پویایی آن منجر به افزایش قدرت نرم سیستم سیاسی گردد.

## منابع

۱. اجتهادی، مصطفی. (۱۳۸۳). دامنه کنش متقابل اجتماعی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱.
۲. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۶). بررسی تعاملات فرهنگ سیاسی و تحزب در ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۴.
۳. امامزاده فرد، پرویز. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از زمان باستان تا زمان معاصر، فصلنامه مطالعات سیاسی، بهار، شماره ۷.
۴. باتامور، تی. بی. (۱۳۶۹). نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. بدیع، برتران. (۱۳۸۷). توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، نشر قومس.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۲). عقل در سیاست، تهران، نشر نگاه معاصر.
۷. بهادری جهرمی، علی. (۱۳۹۱). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با فساد آوری قدرت، فصلنامه مطالعات حقوقی قدرت نرم، سال دوم، شماره ۱۶.
۸. بیرو، آلن. (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۹. بیگلر، مهدی، مرادیان، محسن. (۱۳۹۱). ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: مشارکت در انتخابات) پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره سوم.
۱۰. پورا احمدی، حسین. (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: موسسه بوستان کتاب.
۱۱. جلالی، رضا، غلامی، مهدی. (۱۳۸۹). انسجام فکری نخبگان سیاسی درون حاکمیت و شکل گیری ثبات در نظام سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل، سال سوم، شماره ۱۲.
۱۲. حاجیان، ابراهیم. (۱۳۸۱). گفت وگویی بین فرهنگی و انسجام ملی (با تکیه بر نظریه کنش ارتباطی ها برماس)، فصلنامه مطالعات ملی؛ سال سوم، شماره ۱۲.
۱۳. دوورژه، موريس. (۱۳۷۷). بایسته های جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، نشر دادگستر.

۱۴. دوورژه، موریس. (۱۳۷۶). اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، نشر دادگستر.
۱۵. روشه، گی. (۱۳۶۷). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. فی، برایان. (۱۳۸۶). فلسفه امروزی علوم اجتماعی بانگرش چند فرهنگی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۷. قرآن کریم.
۱۸. کتابی، محمود. (۱۳۷۴). مبانی سیاست و حکومت نوین، اصفهان، انتشارات گل بهار.
۱۹. گلشن پیژوه، محمود رضا. (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۰. متقی زاده، احمد. (۱۳۹۰). مؤلفه های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه قدرت نرم، دوره ۱، شماره ۲.
۲۱. متقی، ابراهیم. (۱۳۸۱). چالش های اقتدار ملی در روند رقابت های سیاسی، مجموعه مقالات رقابت ها و چالش های سیاسی در ایران امروز، ج ۲. نشر گفتمان.
۲۲. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۷). منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام ج.ا.ایران، نشریه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال پنجم، شماره ۱۶.
۲۳. محمدی، مصطفی. (۱۳۹۱). بررسی ابعاد و مؤلفه های قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران با رویکردی ایرانی-اسلامی، مجله مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۱۱۳، آذر و دی.
۲۴. معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی، ج ۱، چاپ ۷، تهران انتشارات امیرکبیر.
۲۵. میرمحمدی، داوود. (۱۳۸۱). رقابت سیاسی و مساله وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات رقابت ها و چالش های سیاسی در ایران امروز، ج ۲. نشر گفتمان.
۲۶. نای، جوزف. (۱۳۸۹). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل (چاپ سوم)، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۷. هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم.
۲۸. ولی پور زرومی، سید حسین. (۱۳۸۳). گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

29. Lapalombara, J. Weiner, M. (1966). political party and political Development ,Princeton University prees (studies in political development).